

تحلیلی بر پویایی‌های جنگ روسیه علیه اوکراین بر اساس موازنه قوا:

اهداف و پیامدها

میشم نوروزی^۱، محمدرضا قنبری سلحشور^۲، ناصر علیزاده نیکو^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹

چکیده

یکی از مهم‌ترین رویدادهای قرن بیست‌ویکم، جنگ روسیه علیه اوکراین است؛ این جنگ نه تنها الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگ بلکه نوع کنشگری دولت‌های متوسط و ضعیف را نیز تحت‌تأثیر قرار داد. از این منظر، مقاله پیش‌رو با بهره‌گیری از نظریه «موازنه قوا»، درصدد پاسخگویی به این سؤالات اصلی است که: «چه عوامل و اهدافی، موجبات حمله نظامی روسیه علیه اوکراین را فراهم کرده است؟» و «این جنگ برای روسیه چه پیامدهایی (مثبت و منفی) داشته است؟» فرضیه اصلی پژوهش عنوان می‌کند: «دغدغه‌های ژئوپلیتیکی» و «تغییر نظم جهانی» به حمله نظامی روسیه علیه اوکراین منجر شده است. بااین‌وجود، نوع عملکرد روسیه و اوکراین در تقابل با یکدیگر، حاکی از موازنه‌ای است که توزیع قدرت را پراکنده کرده است. این پژوهش از منظر هدف، کاربردی است؛ روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای است. بر اساس نتایج تحقیق، پیامدهای منفی جنگ برای روسیه عبارت‌اند از: کمک‌های قدرت‌های غربی به اوکراین، تحریم‌های اقتصادی، تحمیل هزینه‌های نظامی بر روسیه، توسعه نفوذ بیشتر ناتو در محیط پیرامونی روسیه. پیامدهای مثبت جنگ اوکراین برای روسیه نیز عبارت‌اند از: تضعیف جایگاه هژمونی دلار آمریکا، افول نظم لیبرال و هژمونی‌گری آمریکا، چندجانبه‌گرایی و گسترش سیاست نگاه به شرق.

واژگان کلیدی: روسیه، جنگ، اوکراین، موازنه قوا، اهداف، پیامدها.

۱. استادیار حقوق بین‌الملل عمومی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

رایانامه: m.norouzi@basu.ac.ir

۲. مربی گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: md.ghanbary@pnu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد، همدان، ایران.

رایانامه: alizadeniko naser@gmail.com



۱. مقدمه

امروزه فدراسیون روسیه، به‌عنوان جانشین اتحاد جماهیر شوروی سابق، یک قدرت جهانی در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود. در این راستا، بروز بحران اوکراین، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناقشات قرن بیست‌ویکم، روسیه را در مقابل غرب قرار داده و به یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است.

با احیای مجدد روسیه بعد از فروپاشی شوروی، این کشور، پروژه‌های ادغام خود را جهت ارائه به کشورهای منطقه به‌عنوان جایگزینی برای ساختارهای نظامی و سیاسی غربی راه‌اندازی کرد. یکی از برجسته‌ترین پروژه‌های روسیه، «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» بود. این پروژه از دیدگاه غرب، تلاش رهبران برای «دوباره شوروی کردن منطقه» تلقی می‌شد؛ از این رو، آن را یک تحول خطرناک در نظر گرفتند و متعهد شدند اقدامات مؤثری علیه آن در پیش بگیرند (حسینو^۱، ۲۰۱۷: ۵۸۵).

در فرهنگ استراتژیک روسیه، «اقدام نظامی» بخش جدایی‌ناپذیر از سیاست تلقی می‌شود و همیشه باید به اهداف سیاسی کمک کند. استقرار نیروهای مسلح در نتیجه یک سیگنال صریح در مورد اهمیت یک موضوع سیاسی و هزینه‌ای است که نظام تمایل دارد برای پیگیری منافع یا اهداف خود بپذیرد. از این رو، با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، روسیه تحت رهبری پوتین تصمیم گرفت تا متعاقب تنش‌های فیزیکی که از سال ۲۰۱۴م. آغاز گردید، به‌منظور رسیدن به اهداف خود، منازعه‌ای سرزمینی را راه‌اندازی نماید. در واقع، طی سال‌های متمادی، دولت روسیه درصدد بود تا به‌مثابه قدرتی بزرگ تلقی شود؛ موضوعی که با توجه به قرار گرفتن در یک موقعیت جغرافیایی خاص و واداری اوکراین از غرب و به‌ویژه آمریکا، تحت‌الشعاع قرار می‌گرفت (جعفری‌فر و خانی، ۱۴۰۰: ۵۴). از این رو جهت عملیاتی کردن موازنه قوا، عوامل و اهدافی پدیدار گشتند که در نهایت باعث جنگ روسیه علیه اوکراین شد.

به نظر می‌رسد که مسیر و پیامدهای نهایی جنگ، با توجه به حمایت‌های آشکار و پنهان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^۱ و آمریکا از اوکراین، توسط سیاست‌های غرب و روسیه بر اساس موازنه قوا مشخص خواهد شد؛ چون واقعیت‌های این جنگ طی این چند سال، بیانگر این واقعیت است که هم مقاومت اولیه اوکراین در برابر تهاجم سراسری روسیه و هم تاب‌آوری آن، نتیجه حمایت‌ها و پشتیبانی‌های غرب (ناتو آمریکا) در سطوح و ابعاد مختلف از کی‌یف بوده و به احتمال بسیار زیاد، پایان جنگ نیز در نتیجه تغییر سیاست‌های متحدان غربی اوکراین خواهد بود.

در پرتو رقابت آمریکا و روسیه بر سر اوکراین، منافع جمهوری اسلامی ایران تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد؛ لذا بررسی اهداف روسیه از جنگ علیه اوکراین و تدقیق در پیامدهای احتمالی آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. به عبارت دیگر، این جنگ، مهم‌ترین «جنگ نیابتی» و بین‌دولتی است و تکامل آن، پیامدهای عمده‌ای برای کشورهای جهان خواهد داشت.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

تحقیقاتی که در ارتباط با موضوع مقاله حاضر صورت گرفته، به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. در قسمت ذیل به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱-۱. تحقیقات داخلی

«درج» و «طباطبایی» در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش ژئوپلیتیکی اوکراین در تقابل نوین آمریکا و روسیه» (۱۳۹۸)، اذعان می‌کنند که بحران اوکراین، یکی از تقابلات مهم ژئوپلیتیکی میان آمریکا و روسیه محسوب می‌شود. روسیه بر این باور است که واشنگتن با نقش‌آفرینی در تحولات اوکراین و نادیده انگاشتن منافع و امنیت ملی کرملین، در راستای توسعه قلمرو نفوذ خود در حوزه ژئوپلیتیکی‌اش گام برمی‌دارد. از طرفی واشنگتن به بهانه الحاق کریمه به روسیه و ادامه حمایت مسکو از مخالفان شرق اوکراین، بسته‌های تحریمی

1. North Atlantic Treaty Organization (NATO)

را علیه روسیه به اجرا درآورده است و در تلاش برای خارج کردن اوکراین از مدار نفوذ مسکو برآمده است. در این پژوهش، بر مبنای نظریه ژئوپلیتیک، نقش کشور اوکراین در تقابل نوین آمریکا و روسیه مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق به لحاظ ژئوپلیتیکی در صفحه شطرنج اوراسیایی، اوکراین به عنوان محور ژئوپلیتیک، ابزاری برای روسیه به منظور کسب جایگاه هژمونی جهانی بوده و برای آمریکا اهرمی برای محاصره و تقلیل روسیه به یک امپراتوری آسیایی است.

«دهقانی فیروزآبادی» و «مرادی» در مقاله‌ای تحت عنوان «تهدید غرب، برداشت روسیه و بحران اوکراین» (۱۳۹۵)، رفتار و مواضع روسیه در دوره زمامداری ولادیمیر پوتین را بر اساس تئوری موازنه تهدید «استفن والت»^۱ به خدمت گرفته‌اند. فرضیه اصلی مقاله این بود که برداشت مسکو از تهدیدات سیاسی-امنیتی غرب در محیط امنیتی خود، مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری رفتار این کشور در قبال تحولات اوکراین است. در جهت تبیین موضوع، ضمن بررسی کلی تحولات اوکراین، به مناسبات روسیه و غرب و تلاش غرب به‌ویژه آمریکا برای نفوذ در حوزه مشترک‌المنافع پرداخته شد. همچنین، تلاش گردید تا برداشت روسیه از تهدید غرب، با مروری بر گرایش‌های فکری و اظهارات مقامات روسی و مفاد اسناد سیاسی-امنیتی بالادستی تشریح شود.

۲-۱-۲. تحقیقات خارجی

«مینزاراری»^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «ناکامی در جلوگیری از جنگ روسیه علیه اوکراین: نقش ادراک نادرست» (۲۰۲۲)، استدلال می‌کند که علی‌رغم تلاش‌های فراوان غرب برای جلوگیری از تجاوز روسیه، کرملین یک تهاجم نظامی تمام‌عیار را در سراسر مرزهای اوکراین از شمال، شرق و جنوب آغاز کرد. توضیح اینکه چرا این تلاش‌های بازدارنده، برخلاف انتظار مؤثر واقع نشد، می‌تواند بینش مفیدی برای ایجاد استراتژی‌های مؤثرتر برای توقف تجاوز روسیه ارائه دهد. همچنین امکان تعدیل سیاست‌های آینده را که مبتنی

بر بازدارندگی روسیه است، فراهم می‌کند. در این زمینه، اتحادیه اروپا و ناتو باید برداشت‌های نادرست خود را در مورد روسیه بپذیرند که توانایی آن‌ها در ابعاد سیاسی و نظامی به واسطه تجاوز روسیه تضعیف شده است. علاوه بر این، آن‌ها باید در نظر داشته باشند که چه اقداماتی به برداشت نادرست روسیه در مورد غرب دامن زده است و کرملین را برای راه‌اندازی ارتش خود در تهاجم به اوکراین جسور کرده است.

«کازوبا»^۱ در مقاله‌ای با نام «چشم‌انداز روسیه از توازن استراتژیک در قرن بیست و یکم در بستر واقع‌گرایی سیاسی» (۲۰۲۱)، اذعان می‌کند که در طول دو دهه گذشته، سیاست خارجی روسیه به‌طور قابل‌توجهی تکامل یافته است؛ به گونه‌ای که این کشور به دنبال تغییر در توازن قدرت جهانی است. این تکامل صورت گرفته عمدتاً ناشی از تلاش برای ایجاد همکاری با غرب از طریق یک روایت تقابلی است که به اقدامات نظامی و سیاسی منجر می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، با توجه به نوع نگاه دستگاه سیاست خارجی روسیه که به نظریه رئالیسم سیاسی نزدیک است، فدراسیون روسیه با نظم بین‌المللی هژمونیک کنونی مخالفت می‌کند. از این منظر، هدف روسیه، «ایجاد جهانی چندقطبی با نقش کلیدی متعادل‌کننده قدرت‌های بزرگ» است.

همان‌طور که از بررسی آثار فوق‌نمایان است، اغلب پژوهش‌ها از منظر ژئوپلیتیکی و چالش‌هایی که میان قدرت‌های بزرگ در رابطه با اوکراین وجود داشت، به بررسی موضوع جنگ روسیه علیه اوکراین پرداخته‌اند؛ آن‌ها ریشه‌های تأثیرگذار غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا را در حیات خلوت روسیه یعنی کشور اوکراین مورد واکاوی قرار می‌دهند. در تفاوت با این پژوهش‌ها، مقاله پیش‌رو با تمسک به چارچوب نظری «موازنه قوا»، به تحلیل اهداف جنگ روسیه علیه اوکراین می‌پردازد. درواقع، موضوعات زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

❖ روسیه در رقابت با کدام کشورها و بر اساس چه فاکتورهایی آغازگر جنگ بوده است؟

❖ بررسی پیامدهای این جنگ و به‌ویژه افول هژمون جهانی آمریکا.

۲-۲. مبانی نظری

در این پژوهش جهت تحلیل اهداف و پیامدهای جنگ روسیه علیه اوکراین از نظریه «موازنه قوا» بهره گرفته شده است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که تئوری‌هایی مانند موازنه قوا تنها بر یک سطح تحلیل و در این مورد، «نظام بین‌الملل» متمرکز هستند؛ به این ترتیب، نمی‌توانند تمام ابعاد یک رویداد تاریخی خاص را توضیح دهند. همان‌طور که «کنت والتز»^۱ بیان می‌کند، نظریه موازنه قوا به ما کمک می‌کند تا «فشارهایی که دولت‌ها در معرض آن هستند» را بفهمیم؛ اما «به ما نمی‌گوید که چرا دولتی حرکت خاصی را در گذشته انجام داده است». به عبارت دیگر، ملاحظات ساختاری نمی‌تواند سؤالات سطح واحد در مورد منشأ جنگ را داوری کند. با وجود این، رویکرد و روش نظری نظریه کلاسیک موازنه قدرت، کانون توجه بسیاری از دانشمندان روابط بین‌الملل برای بیش از یک قرن بوده است. گزاره مرکزی این نظریه (البته چیزی که هرگز به‌طور سیستماتیک آزمایش نشده است) این است که «قدرت‌های بزرگ در برابر تهدیدات هژمونیک تعادل برقرار می‌کنند». در این زمینه، دیگران بر قدرت به‌عنوان روابط که پدیده‌ای چندبعدی است، تمرکز کرده‌اند و به‌عنوان نیروی نظامی شناخته می‌شود (جوهانسون^۲، ۲۰۱۷: ۶۴).

والتز، توازن قوا را قانون اساسی روابط بین‌الملل می‌داند (والتز، ۱۹۷۹: ۱۱۷). بر اساس نظر نئورئالیست‌ها، موازنه قوا عامل ایجادکننده اقدامات دولت‌ها در ساختار نظام بین‌الملل است و به‌عنوان وسیله‌ای تلقی می‌شود که به هدف بقا و امنیت دولتی می‌انجامد. بر اساس مفروضات نظریه مورد بحث، همکاری بین‌المللی دشوار است؛ زیرا دولت‌ها احتمال یک درگیری را مفروض می‌گیرند و بدترین سناریو در این خصوص، وقوع جنگ است (زاپوتویچ^۳، ۲۰۱۳). درواقع، واقع‌گرایان جهان را از روی بدبینی می‌نگرند. زاویه‌ای که در آن بر ماهیت درگیری بازیگران و مبارزه برای تسلط قدرت تأکید می‌شود. بی‌اعتمادی و مبارزه دائمی برای قدرت به‌منظور بقا توسط بازیگران در مرکز اصلی واقع‌گرایی است.

1. Waltz

2. Johannesso

3. Czaputowicz

برای اطمینان از بقای خود، دولت‌ها باید از قابلیت‌های نظامی خود اطمینان حاصل کنند. با این حال، افزایش قدرت نظامی بازیگران، موجب افزایش ترس رقبا می‌شود. معمولاً در چنین شرایطی، رقبا سعی خواهند کرد تا قدرت نسبی خود را افزایش دهند و با پیروی از این منطق، دولت‌ها در یک رقابت دائمی به سر می‌برند که تداعی‌گر معضل امنیتی است (دیرزاوسکیت و ایلینکا^۱، ۲۰۱۷: ۲۱). به عبارت دیگر، دولت‌ها تلاش می‌کنند قدرت خود را افزایش داده و در تعادل قدرت به منظور جلوگیری از متجاوزان احتمالی و یا جلوگیری از قوی شدن نظامی یک دولت، در جنگ‌ها شرکت کنند (جولیان^۲، ۲۰۱۸: ۳).

در منطق موازنه قوا، جنگ نه تنها نامشروع نیست، بلکه در بعضی از موقعیت‌ها برای کسب قدرت، لازم و ضروری است. اگر کشوری از سوی رقبا از تأمین قدرت خود با ابزارهای مسالمت‌آمیز مانند چانه‌زنی بازداشته شود، این حق مشروع را دارد که به جنگ متوسل شود؛ لذا در نظریه موازنه قوا، جنگ، یک ابزار تنظیم‌کننده روابط است که از طریق آن توازن و تعادل برقرار می‌شود. به عبارت دیگر، جنگ، نه تنها مشروع و مجاز است، بلکه کارکرد مثبتی نیز در عرصه بین‌المللی ایفا می‌کند؛ این کارکرد مثبت، برقراری موازنه است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۸۹).

درواقع، با توجه به اینکه هر کشور باید به دنبال دفاع از منافع خود باشد، نظام بین‌المللی، ترس، سوءظن و ناامنی را تقویت می‌کند. موضوعی که به یکی از باورهای اصلی واقع‌گرایی عامیانه منجر می‌شود؛ یعنی اینکه دولت‌ها آمادگی دارند تا از طریق استقرار استراتژی‌های توازن قوا، از خود محافظت کنند. استراتژی‌های توازن قوا همان‌طور که «مارتین وایت»^۳ واقع‌گرا به آن اشاره کرد: «آرزوی قدرت از سوی چندین کشور... به ضرورت به پیکربندی منجر می‌شود که به آن تعادل می‌گویند. قدرت و سیاست‌هایی که هدف آن حفظ دولت است» (اسپیگل^۴، ۲۰۰۹: ۸۷). به‌طورکلی، در شرایطی موازنه قدرت می‌تواند میان دولت‌ها برقرار باشد که هیچ بازیگری نتواند بر دیگر بازیگران تسلط یابد تا

1. Dirzauskaite and Ilinca

2. Julian

3. Martin White

4. Spegele

صلح محفوظ باشد. سازوکار موازنه قوا به دنبال آن است تا تعادل قدرت را به گونه‌ای ایجاد کند که هیچ کشور یا ائتلاف کشورها در وضعیتی قرار نگیرد که بر بقیه تسلط پیدا کند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۳۲۶).

با توجه به مطالب فوق و تأثیرات جنگ روسیه علیه اوکراین، چنین برداشت می‌شود که روسیه با هدف «بازگشت به شکوه ازدست‌رفته» جنگ را آغاز کرده است. همچنین این کشور اصل موازنه قوا را سرلوحه کار خود قرار داده است. در طرف مقابل، اوکراین نیز به دلیل ماهیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک، همواره تلاش می‌کند تا موازنه قوای قدرتمندی از طریق حصول کمک‌های کشورهای هم‌سو که عمدتاً اروپایی‌ها و آمریکا هستند، ایجاد نماید و سرزمین خود در برابر روسیه دفاع کند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از منظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود؛ زیرا از طریق جستجو در زمینه اهداف روسیه از جنگ، پیامدهای آن را شناسایی کرده تا کشورها در تنظیم روابط با هر یک از طرفین جنگ، مراتب را مدنظر قرار دهند. با توجه به ماهیت کیفی تحقیق، روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای است.

پژوهش حاضر، از حیث زمانی از سال ۲۰۲۲ الی ۲۰۲۴م. را مدنظر قرار داده است که شاهد جنگ روسیه علیه اوکراین بودیم. از حیث مکانی نیز دو کشور روسیه و اوکراین مورد مطالعه قرار گرفته است.

بنابراین، جامعه آماری تحقیق حاضر را مقالات، کتاب‌ها و مصاحبه‌های نخبگان سیاسی در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی در بر می‌گیرد. اعتباریابی داده‌ها نیز بر اساس معیارهای چهارگانه (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۲: ۲۳۳-۲۵۲)، از قابلیت ثبات و تأییدپذیری برخوردار بوده است. معیار ثبات به پایداری داده‌ها در طول زمان و شرایط متفاوت گفته می‌شود. این معیار نشان‌دهنده قابلیت تکرار داده‌ها در زمان‌ها و شرایط مشابه است. قابلیت انتقال‌پذیری نیز به این امر اشاره دارد که یافته‌های مطالعه، تا چه حدی در دیگر گروه‌ها یا مکان‌ها قابل

انتقال یا استفاده است. معیارهای فوق در پژوهش پیش‌رو، با توجه به اینکه در ارتباط با یک قدرت بزرگ علیه کشوری کوچک‌تر مورد مطالعه قرار گرفته، از یک‌سو در گذشته وجود داشت و در آینده نیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و می‌تواند در راستای موازنه قوا مورد تعقیب قرار گیرد. موضوعی که از سوی روسیه یا دیگر قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا در نقاط دیگر از جهان قابل مشاهده است.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. اهداف تأثیرگذار بر جنگ روسیه علیه اوکراین

طی سال‌های متمادی، دولت روسیه درصدد بود تا به‌مثابه قدرتی بزرگ تلقی شود. موضوعی که با توجه به قرار گرفتن در یک موقعیت جغرافیایی خاص و وامداری اوکراین از غرب و به‌ویژه آمریکا، تحت‌الشعاع قرار می‌گرفت. از این‌رو، جهت عملیاتی کردن موازنه قوا، اهدافی پدیدار گشت که درنهایت باعث جنگ روسیه علیه اوکراین شد؛ به‌طوری که جنگ روسیه و اوکراین را می‌توان مظهر تجدید رقابت ژئوپلیتیکی بین قدرت‌های بزرگ جهانی از منظر موازنه قوا دانست. در قسمت ذیل مهم‌ترین اهداف روسیه از جنگ با اوکراین مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱-۱. بازگشت مجدد روسیه به قدرت جهانی

پایان مسالمت‌آمیز جنگ سرد نه‌تنها نشان‌دهنده پایان نیم‌قرن تقابل روسیه و غرب نبود، بلکه آغاز مرحله جدیدی است که در آن غرب، در موقعیتی بی‌چون‌وچرا با احترام یا برتری در امور جهانی قلمداد شد (رامر^۱، ۲۰۱۷: ۵). در این راستا، روسیه با رهبری پوتین، قدرتی تلقی می‌شود که مشتاق به‌دست آوردن مجدد قدرت و اعتبار سابق خود است. «جرارد تول»^۲، استاد روابط بین‌الملل در ویرجینیا تک، اظهار می‌کند: «هدف پوتین همیشه این بود که روسیه را به موقعیت یک قدرت بزرگ در شمال اوراسیا بازگرداند. هدف نهایی بازآفرینی اتحاد جماهیر شوروی نبود، بلکه بزرگ کردن دوباره روسیه بود» (مسترز^۳،

1. Rumer

2. Gerard Tull

3. Masters

۲۰۲۳). در این زمینه، اوکراین، کشوری است که روسیه از طریق آن قصد دارد، کشورهای پس از فروپاشی شوروی را دوباره ادغام کند. بنابراین، هدف اصلی روسیه «پروژه‌های یکپارچه‌سازی» است (حسینو، ۲۰۱۷: ۵۸۶). تا آنجا که استدلال می‌شود، تهاجم پوتین از ترکیبی از ضعف روسیه پس از شوروی و خاطرات جستجوی عظمت آن نشئت می‌گیرد؛ چراکه معتقد است، غرب بسیار قدرتمند و روسیه بسیار ضعیف است. بر اساس نظر بسیاری از کارشناسان سیاست خارجی، پوتین، روس‌ها و اوکراینی‌ها را «مردمی واحد» می‌داند که عملاً «فضای تاریخی و معنوی یکسانی» را اشغال می‌کنند (مسترز، ۲۰۲۳).

از این منظر، انگیزه اصلی این جنگ، «روحیه پوتین و غضب از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و امپراتوری آن» است. پوتین احساس می‌کند که غرب آن را بی‌اهمیت تصور می‌کند. خشم ناشی از این پدیده باعث شده که او به دنبال انتقام باشد؛ تهاجم به اوکراین نیز وسیله‌ای برای این هدف و اثبات قدرت روسیه است. بدین‌سان روسیه، کریمه را دوباره الحاق کرد و از ناسیونالیست‌های روسی در شرق اوکراین که درصدد جدا شدن و پیوستن به روسیه بودند، حمایت نظامی کرد. حمله پوتین به اوکراین، گسترش این سیاست است.

۲-۱-۴. محدود کردن گسترش و نفوذ غرب در قالب ناتو و اتحادیه اروپا

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، واشنگتن بر این باور بود که می‌تواند نظم جهانی جدیدی ایجاد کند و روسیه چاره‌ای جز تبعیت از این مسئله نخواهد داشت. در این راستا، توهین‌آمیزترین اقدام برای منافع روسیه، توسعه «ناتو» بود. هدف نهایی ناتو، ایجاد یک اتحاد دفاعی برای محافظت از متحدان ایالات متحده در برابر تجاوز روسیه بود که در اواخر دهه ۱۹۹۰م. تا مرزهای روسیه گسترش یافته بود (اسلوبورچیکف^۱، ۲۰۱۷: ۹۲).

روسیه مخالف عضویت اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا است؛ از این‌رو، برای بازپس‌گیری کنترل اوکراین تصمیم گرفت مداخله نظامی انجام دهد. روس‌ها چه خواهان توازن با غرب باشند و چه خواهان به‌دست آوردن هژمونی در منطقه، راهی جز این ندارند

که نگاه محوری به اوکراین داشته باشند. این کاملاً با منطق جغرافیایی قدرت روس‌ها منطبق است، منطقی که بر اهمیت سرزمین تأکید دارد.

از منظر روسیه، حمله به اوکراین یک حرکت تهاجمی ضروری در یک موقعیت دفاعی استراتژیک است. همان‌طور که پوتین گفته است: «...وقتی زیرساخت‌های یک بلوک نظامی به سمت مرزهای ما در حال حرکت است، چاره‌ای جز برداشتن چند قدم در پاسخ نداریم... داشتن پایگاه‌های نظامی آمریکا در نزدیکی مرزهای ما بر امنیت و منافع بین‌المللی روسیه تأثیر می‌گذارد» (اوتیسو و پرسون^۱، ۲۰۱۵: ۳).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، نگرانی روسیه عمدتاً ناشی از تمایل اوکراین برای مشارکت در برخی سازمان‌ها مانند اتحادیه اروپا یا ناتو است (دمدزیوک^۲، ۲۰۱۹: ۹۱)؛ چراکه عضویت اوکراین در ناتو، به‌طور چشمگیری توازن قوا در دریای سیاه را تغییر خواهد داد که به عرصه‌ای برای تضعیف روسیه تبدیل می‌شود.

۳-۱-۴. تلاش روسیه در تثبیت نظام چندقطبی

جدیدترین مفهوم در مورد سیاست فدراسیون روسیه که در سال ۱۹۹۹م. توسط ولادیمیر پوتین پدید آمد، «موازنه پویا» نامیده می‌شود. این مفهوم را می‌توان این‌گونه تشریح کرد: اجماع عملی و چندقطبی نظم جهانی. این عناصر، منحصر به فرد بودن روسیه در جهان، بدون عنصر تقابل با غرب را ثابت می‌کند (دمدزیوک، ۲۰۱۹: ۹۷). این طرح از یک‌سو، اقداماتی را با هدف انسجام غرب بر عهده می‌گیرد و از سوی دیگر به دنبال متحدانی است که دیدگاه انتقادی روسیه از نظم بین‌المللی کنونی را به اشتراک گذارند. به‌گونه‌ای که استدلال می‌شود، تمام استراتژی بر بازسازی «نظم جهانی چندقطبی» متمرکز است (کازوبا، ۲۰۲۱: ۲۵۵).

ایده اجماع عمل‌گرایانه، دستیابی به پنج اصل را پیش‌فرض می‌گیرد:

(۱) این تجدید موقعیت روسیه به عنوان بازیگر اصلی در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق خواهد بود. در این راستا، کشورهای مشترک‌المنافع به صورت یکپارچه منطقه‌ای از جهان تبدیل می‌شوند که قادر به توسعه و حفظ ثبات هستند؛

(۲) استفاده از منابع به دست آمده در دوران اتحاد جماهیر شوروی را تعیین می‌کند؛

(۳) تنوع ارتباطات با غرب؛

(۴) اهداف مورد نظر با افزایش همکاری با آسیا، عمدتاً چین و هند حاصل می‌شود؛

(۵) روسیه کشوری است که اروپا را به آسیا مرتبط می‌کند (دمدزیوک، ۲۰۱۹: ۹۸).

بر اساس تفکر واقع‌گرایانه روسی، بهترین سیستم برای تضمین ثبات بین‌المللی، توازن قوا است. از این رو، فدراسیون روسیه در صدد است از طریق به چالش کشیدن جریان نظم بین‌المللی هژمونیک و تلاش برای بازسازی آن به سمت یک نظام چندقطبی، نقش متعادل‌کننده کلیدی برای ابرقدرت‌ها ایجاد نماید (کازوبا، ۲۰۲۱: ۲۵۴-۲۵۳). به نظر می‌رسد، تأکید بیشتر در ترسیم یک نظام چندقطبی، از مسیر کشور اوکراین می‌گذرد. در این زمینه، هدف راهبردی روسیه در تهاجم به اوکراین، تحت انقیاد قرار دادن این کشور بود. تقویت نظامی روسیه علیه اوکراین در سال ۲۰۲۱م. آغاز شد که تعداد زیادی از نیروهای متعارف به نیروهای موجود در امتداد مرزهای اوکراین اضافه شدند. این ساخت سه عملکرد را انجام داد:

- ❖ **اول**، دولت‌های غربی را تحت فشار قرار داد تا مجدداً وارد مذاکرات شوند و برای تشویق کی‌یف به دادن امتیاز و در نتیجه جلوگیری از درگیری اقدام شود؛
- ❖ **دوم**، تجهیزات نظامی را از قبل در اطراف اوکراین مستقر کرد تا در تسریع تشکیل نیروها با آغاز جنگ مؤثر باشد؛
- ❖ **سوم**، فرصتی برای مسکو بود تا واکنش شرکای بین‌المللی اوکراین را ارزیابی کند (زابدودسکی، ۲۰۲۲: ۷). موضوعی که به عرصه‌ای برای جنگ روسیه علیه اوکراین به منظور تثبیت جهان چندقطبی تعین یافت.

۲-۴. پیامدهای جنگ اوکراین برای روسیه

در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ م. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، «عملیات نظامی ویژه»^۱ را علیه کشور اوکراین، با هدف دستیابی به اهداف سیاسی از طریق یک رویکرد مستقیم آغاز کرد (لونیتا^۲، ۲۰۲۳: ۵). در چنین شرایطی، خطوط مقدم مذاکرات برای پایان دادن به درگیری‌ها به حالت تعلیق درآمد. روسیه با مقاومت تاریخی کشور اوکراین مواجه شد که از حمایت کشورهای غربی برخوردار بود. این جنگ، مهم‌ترین جنگ بین دولتی است و تکامل آن، پیامدهای عمده‌ای برای طرفین خواهد داشت. نوع عملکرد روسیه و اوکراین در تقابل با یکدیگر، حاکی از موازنه‌ای است که توزیع قدرت را پراکنده کرده است. به بیان دیگر، هر یک از این کشورها در پرتو جنگ، موازنه قدرتی را در قبال یکدیگر مشاهده می‌کنند که می‌توان از آن به مثابه نتایج جنگ روسیه علیه اوکراین یاد کرد و پیامدهای مثبت و منفی به همراه دارد.

۲-۴-۱. پیامدهای منفی جنگ برای روسیه

جنگ روسیه علیه اوکراین به دلایل زیر پیامدهای منفی داشته و شهرت روسیه را به عنوان یک قدرت نظامی به شدت خدشه‌دار نمود:

❖ محاسبات نادرست استراتژیک؛

❖ اجرای تاکتیکی نامنسجم؛

۱. انتخاب «عملیات نظامی ویژه» از سوی کرملین، مبتنی بر پیوست عملیات روانی جنگ بود؛ اغلب کشورها جهت کاستن از مقاومت منفی جهانی، چنین اقدامی را در دستورکار قرار می‌دهند. در این زمینه، روسیه در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ م. عملیات ویژه در اوکراین را آغاز کرد. ولادیمیر پوتین هدف از این عملیات را حمایت از مردمی خواند که به مدت هشت سال مورد قلدری و نسل‌کشی رژیم کی‌یف قرار گرفته‌اند. هم‌چنانکه آمریکا در سال ۲۰۰۳ م. عملیات نظامی علیه عراق را با عنوان «عملیات آزادسازی عراق» شروع کرد و نه جنگ علیه رژیم بعث. در صورتی که ماهیت اقدام هر دو کشور روسیه و آمریکا از مصادیق بارز «جنگ» در کلاسیک‌ترین شکل ممکن خود بود؛ چراکه روسیه نیز همانند آمریکا با گسیل نیروهای نظامی (زمینی، هوایی و بعضاً دریایی) خود به مرزهای اوکراین اقدام به اشغال نظامی برخی از مناطق مرزی و یورش به مرکز اوکراین با هدف ساقط کردن دولت مستقر در کی‌یف نمود که البته تاکنون ناکام ماند.

❖ کیفیت ضعیف سربازان (جنکینز^۱، ۲۰۲۳).

تأثیر جنگ روسیه در اوکراین در درازمدت احتمالاً روسیه را به موقعیتی بدتر از زمانی که پوتین ۲۲ سال پیش قدرت را در دست گرفت، کاهش خواهد داد (جیو و استیلز^۲، ۲۰۲۲). در این راستا، مهم‌ترین پیامدهای منفی جنگ برای روسیه در قسمت زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱-۱-۲-۴. افزایش کمک‌های قدرت‌های غربی به اوکراین

اعتماد کرملین به اینکه می‌تواند بدون دخالت قابل توجه بین‌المللی به اوکراین حمله کند، دلیل مهمی برای تهاجم تمام‌عیار بود (زابودسکی، ۲۰۲۲: ۷)؛ اما قدرت‌های غربی و شرکای آن‌ها، گام‌های زیادی برای افزایش کمک به اوکراین و مجازات روسیه به‌خاطر حمله برداشتند.

در سال‌های مالی ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ م. کنگره آمریکا در مجموع ۱۱۳ میلیارد دلار به این امر اختصاص داده است؛ وجوه تکمیلی اضطراری مربوط به اوکراین نیز حدود ۹۰ میلیارد دلار برای کمک‌های نظامی، اقتصادی و بشردوستانه به این کشور و سایر کشورهایی که تحت تأثیر جنگ قرار گرفتند، مشخص شده بود (بلکین و همکاران^۳، ۲۰۲۳: ۲).

علاوه بر این، از فوریه ۲۰۲۳ م. ایالات متحده بیش از ۵۰ میلیارد دلار به اوکراین کمک کرد که شامل کمک‌های نظامی پیشرفته مانند سیستم‌های موشکی، هلیکوپتر، هواپیماهای بدون سرنشین و تانک می‌شود. چندین متحد ناتو نیز در حال ارائه کمک‌های مشابه هستند (مسترز، ۲۰۲۳). در جدول (۱) میزان کمک‌های ایالات متحده به اوکراین بین سال‌های ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۲ م. مشخص شده است:

-
1. Jenkins
 2. Gioe and Styles
 3. Belkin and et.al.

جدول شماره ۱. کمک‌های اولیه ایالات متحده به اوکراین بین سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۱۵. (ولت، ۲۰۲۱: ۳۲-۳۳)								
سال	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱ (ارزیابی شده)	۲۰۲۲ (درخواست داده شده)
کمک‌های دوجانبه وزارت امور خارج و آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده	۳۶۱.۸ ۷۲	۶۶۷.۰۹۹	۴۵۴.۳۱۵	۴۲۱.۸۱۷	۴۴۵.۶۵۴	۴۴۷.۰۴۹	۴۶۳.۵۵۶	۴۵۸.۹۰۰
بودجه نظامی خارجی	۴۷.۰۰ ۰	۸۵.۰۰۰	۹۹.۰۰۰	۹۵.۰۰۰	۱۱۵.۰۰۰	۱۱۵.۰۰۰	۱۱۵.۰۰۰	۱۱۵.۰۰۰
ابتکار عمل همکاری امنیتی اوکراین	-	۲۲۶.۵۳۰	۱۴۸.۶۳۶	۱۹۵.۴۵۰	۲۱۴.۸۰۰	۲۵۶.۷۰۱	۲۷۵.۰۰۰	۲۵۰.۰۰۰

با فرض اینکه متحدان ناتو به وعده‌های اخیر خود برای افزایش هزینه‌های دفاعی و قابلیت‌های نظامی عمل کنند، موازنه نظامی متعارف در صحنه اروپا به ضرر روسیه تغییر خواهد کرد. در غیاب نیروهای مسلح متعارف در اروپا و معاهدات نیروهای هسته‌ای میان‌برد، اعضای ناتو این آزادی را خواهند داشت سلاح‌هایی را که روسیه (و اتحاد جماهیر شوروی) مدت‌ها به دلیل توانایی در معرض خطر نگه‌داشتن اهداف کلیدی، تهدیدآمیز می‌دانستند، مستقر کنند. در قلب روسیه این احتمال برای کرملین نگران‌کننده است، درست همان‌طور که مفهوم حمله سریع جهانی متعارف برای جامعه امنیت ملی روسیه بسیار ناراحت‌کننده بود؛ حتی اگر ایالات متحده هنوز هیچ‌یک از این سیستم‌ها را در اختیار نداشته باشد (رامر و سوکولسکی^۱، ۲۰۲۲).

در این راستا، اوکراین با حمایت گسترده غرب توانست ابتکار عمل را در دست بگیرد و نیمی از سرزمینی را که روسیه اشغال کرده بود، آزاد کند. به‌طور گسترده، حمایت نظامی از اوکراین، سطحی از مقاومت را پدید آورد که به آن اجازه داد تا حمله روسیه را متوقف

کند. درواقع، کمک، آموزش، سلاح، مهمات و اطلاعات غرب به اوکراین، مزیت میدان نبرد بوده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد، اوکراین با حمایت کشورهای غربی موازنه قوای صحیحی در برابر روسیه اتخاذ کرده است.

۴-۲-۱-۲. تحریم‌های اقتصادی

ازجمله اهداف مهم آمریکا در منطقه در قبال بحران اوکراین عبارت‌اند از:

❖ جلوگیری از برقراری دوباره هژمونی روسیه در اوراسیا و کاهش نفوذ این کشور در منطقه؛

❖ جلوگیری از اتحاد و ائتلاف منطقه‌ای با محوریت روسیه.

مهم‌ترین ابزار راهبردی ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای توازن‌بخشی جهت مقابله با روسیه در بحران اوکراین، تحریم اقتصادی بوده است (روچی دهبه و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۳). واشنگتن تلاش کرده تا متحدان خود را به‌عنوان یک بلوک برای تحریم اقتصادی روسیه تحت فشار قرار دهد (جیافی^۱، ۲۰۲۲). در این زمینه، بلافاصله پس از تهاجم، روسیه به یک بحران مالی تمام‌عیار نزدیک شد. ارزش خارجی روبل تنها در چند روز تقریباً ۳۰ درصد کاهش یافت و روس‌ها برای برداشت پول از بانک‌های خود در صف ایستادند. بانک مرکزی روسیه با افزایش نرخ بهره کلیدی خود به ۲۰ درصد و اعمال محدودیت‌هایی برای برداشت سپرده و جابجایی سرمایه به این بحران پاسخ داد؛ اما شوک جنگ و بسته‌های تحریمی متعاقب آن در بسیاری از زمینه‌ها تأثیر منفی اقتصادی زیادی داشته است:

❖ نرخ اولیه ارز و شوک تورمی، استانداردهای زندگی مردم عادی روسیه را کاهش داد؛

❖ حجم خرده‌فروشی در آوریل ۲۰۲۲م. نسبت به مدت مشابه سال قبل ۹.۸ درصد کاهش یافت و از آن زمان بهبود نیافته است (کورهونن^۲، ۲۰۲۳).

1. Jiafei

2. Korhonen



نمودار شماره ۱. تراز ماهانه دولت فدرال روسیه (میلیارد روبل) (کورهون، ۲۰۲۳)

این موضوع نشان می‌دهد که چگونه اقدام هماهنگ غرب به‌طور مؤثر تعامل روسیه با اقتصاد جهانی را فلج کرده است. دستکاری کوتاه‌مدت عرضه پول و دسترسی بیشتر به بازارهای چین و هند ممکن است نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری اقتصادی باشد؛ اما گاو و استایلز استدلال می‌کنند که در درازمدت، ازدست‌دادن بازارهای پرسود اروپایی و زنجیره‌های تأمین، به‌علاوه ازدست‌دادن نوآوری به دلیل فرار کارآفرینان جوان بااستعداد فناوری که از روسیه فرار می‌کنند، اقتصاد را به وضعیتی بدتر از دوران شوروی تبدیل خواهد کرد (جیو و استیلز، ۲۰۲۲).

تحت این شرایط، تحریم‌های بین‌المللی علیه روسیه بسیار گسترش یافته و بخش‌های مالی، انرژی، دفاعی و فناوری این کشور را پوشش می‌دهد. همچنین تحریم‌ها، دارایی الیگارش‌های ثروتمند و سایر افراد را هدف قرار می‌دهد. در این زمینه، تسلیحات روسی که ۲۰ درصد فروش در بازار جهانی را به خود اختصاص می‌دهند، ممکن است بخشی از جذابیت خود را از دست بدهند و موقعیت روسیه را به‌عنوان یک تأمین‌کننده عمده تسلیحات از بین ببرند. محدودیت‌های جریان فناوری‌های کلیدی به روسیه به‌تدریج بر اقتصاد این کشور به‌ویژه توانایی آن در ساخت سلاح‌های پیشرفته، تأثیر خواهد گذاشت (جنکینز، ۲۰۲۳). علاوه‌بر این، تحریم‌های غرب مانع از تولید بسیاری از کالاها توسط

روسیه شده؛ این مسئله به افزایش کسری بودجه منجر شده است. درحالی‌که این اقدامات به‌تنهایی نمی‌تواند جنگ را خاتمه دهد، اما توانایی روسیه برای جایگزینی تجهیزات نظامی نابودشده خود و تأمین مالی کمپین را محدود می‌کند (کورهونن، ۲۰۲۳). ازاین‌رو می‌توان استدلال کرد که جدی‌ترین رویارویی بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد، ائتلاف قدرتمند ایالات متحده، ناتو، اتحادیه اروپا و کشورهای وابسته علیه روسیه است.

۳-۱-۲-۴. تحمیل هزینه‌های نظامی بر روسیه

روسیه در راستای تحقق برخی از اهداف نظامی و سیاسی خود، جنگ علیه اوکراین را آغاز کرد؛ تحت چنین شرایطی، تصور عمومی این بود که بزرگ‌ترین کشور روی زمین و دومین کشور بزرگ انبار تسلیحات هسته‌ای، به‌راحتی می‌تواند در این درگیری پیروز شود. به‌طوری‌که، روسیه قصد داشت در یک دوره ۱۰ روزه به اوکراین حمله کند و پس از آن کشور را اشغال کند و الحاق را تا آگوست ۲۰۲۲م. فعال کند. طرح روسیه و استفاده از فریب برای دور نگه‌داشتن نیروهای اوکراینی از کی‌یف، می‌توانست امکان تصرف سریع پایتخت را فراهم کند. بااین‌حال، نیروهای روسی در سطح تاکتیکی برای اجرای مؤثر طرح فریب آماده نبودند. بزرگ‌ترین نقص طرح روسیه، فقدان مسیرهای عمل برگشتی بود. در نتیجه زمانی که سرعت نتوانست نتایج مطلوب را به همراه داشته باشد، نیروهای روسی مواضع خود را با بسیج شدن اوکراین به‌طور پیوسته تخریب شده، دیدند (زابودسکی، ۲۰۲۲: ۱).

در این رابطه، درک نادرست از هزینه‌های جنگ با توجه به این اعتقاد روسیه که مذاکره، ابزار ضعیفان است و زیر سؤال بردن عزم اتحادیه اروپا به تحریم‌های ویرانگر وعده داده‌شده توسط ایالات متحده، موجبات تنش‌ها و درنهایت عملیات جنگی را فراهم کرد. به بیان دیگر، تصورات نادرست قبل از شروع تهاجم نظامی در مورد بزرگی آن‌ها بر محاسبات روسیه در مورد هزینه‌های تهاجم نظامی تأثیر گذاشته است. هزینه‌های نظامی به دو مورد زیر قابل دسته‌بندی است:

❖ تلفات جنگ بر ارتش روسیه قابل توجه بود؛ تا پایان سال ۲۰۲۳م، برآوردها برای تعداد کشته پرسنل روسی بین ۶۶۰۰۰ الی ۱۲۰۰۰۰ نفر بود. اگر تعداد مجروحان را اضافه کنیم، این مجموع به رقم خیره‌کننده ۳۱۵۰۰۰ نفر می‌رسد.

❖ همچنین روسیه تلفات تجهیزات عظیمی نیز متحمل شده است؛ ازجمله تخریب شدید ناوگان دریای سیاه با ۲۰ کشتی غرق‌شده. روسیه از زمان حمله به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲م. حدود ۸۸۰۰ خودروی زرهی را از دست داده است (گلنتر^۱، ۲۰۲۴).

در هفته‌های اولیه تهاجم، نیروهای اوکراینی با مقاومت سرسختانه‌ای موفق شدند ارتش روسیه را در بسیاری از مناطق ازجمله در کی‌یف، وارد باتلاق کنند. در آگوست ۲۰۲۲م، اوکراین یک ضد حمله بزرگ را علیه نیروهای روسیه آغاز کرد و هزاران مایل مربع از اراضی را در مناطق خارکف و خرسون بازپس گرفت. این کمپین‌ها یک شکست خیره‌کننده برای روسیه بود. در بحبوحه عقب‌نشینی روسیه، پوتین اقدامات زیر را انجام داد:

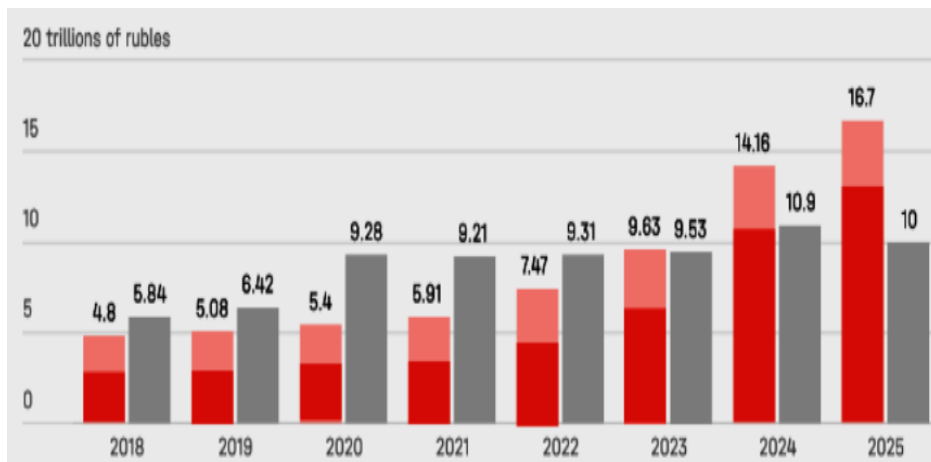
- ❖ دستور بسیج حدود سیصد هزار سرباز دیگر را صادر کرد؛
- ❖ چهار منطقه دیگر اوکراین را به‌طور غیرقانونی ضمیمه کرد؛
- ❖ تهدید کرد که از سلاح هسته‌ای برای دفاع از «تمامیت ارضی» روسیه استفاده خواهد کرد (مسترز، ۲۰۲۳).

جدول شماره ۲. ضررها و تلفات تخمینی روسیه از فوریه ۲۰۲۲ الی آوریل ۲۰۲۴ (مسیکوت و کونولی، ۲۰۲۴):		
(۱۴)		
شاخص	ضررها تا سپتامبر ۲۰۲۲ (قبل از بسیج)	مجموع ضررها از فوریه ۲۰۲۲ الی آوریل ۲۰۲۴
نظامیان کشته‌شده	۲۵۰۰۰-۲۰۰۰۰	۸۵۰۰۰-۵۰۰۰۰
نظامیان زخمی‌شده	۵۵۰۰۰-۵۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰-۲۸۵۰۰۰
مجموع	۸۰۰۰۰-۷۰۰۰۰	۳۸۵۰۰۰-۳۳۵۰۰۰

با وجود این تحولات، کارشناسان نظامی ارزیابی کرده‌اند که اگرچه روسیه به احتمال زیاد قادر به ادامه عملیات تهاجمی تا پایان سال ۲۰۲۴م. است؛ اما در سال ۲۰۲۵م. با محدودیت‌های قابل توجهی در تولید تسلیحات و مهمات مواجه خواهد شد. بنا بر استدلال کارشناسان نظامی، روسیه برای دستیابی به دستاوردهای بیشتر و اهداف تهاجمی در سال ۲۰۲۵م. و پس از آن، در صورت ادامه دادن شرکای اوکراین با مشکل مواجه خواهد شد (گلنتر، ۲۰۲۴). این موضوع، تغییراتی را در استراتژی نظامی تحمیل می‌کند که دربردارنده هزینه بیشتر برای روسیه است.

جدول شماره ۳. تلفات تجهیزات روسی تأییدشده بصری از فوریه ۲۰۲۲ الی آوریل ۲۰۲۴ (مسیکوت و کونولی، ۲۰۲۴: ۱۴)			
نوع تلفات	ضرر و زیان از ۸ آوریل ۲۰۲۴	تعداد قبل از جنگ (رزروها)	درصد کل ضرر و زیان (رزروها)
تانک‌های جنگی اصلی	۲۹۰۰-۲۵۰۰	۲۸۴۰ (۱۰۲۰۰)	۱۰۰ درصد فعال قبل از جنگ (۱۸-۲۱ درصد)
نفربر زرهی و خودروهای جنگی پیاده‌نظام	۵۴۰۰-۱۸۰۰	۱۴۲۸۰ (۱۵۵۰۰)	۳۴ تا ۳۵ درصد فعال قبل از جنگ (۱۶-۱۷ درصد)
توپخانه خودکشی و پرتاب‌کننده‌های موشک متعدد	۱۰۸۰-۹۸۰	۳۰۲۷ (۷۴۸۰)	۳۲ تا ۳۶ درصد فعال قبل از جنگ (۹-۱۰ درصد)
سیستم‌های پدافند هوایی	۲۹۰-۲۲۰	۲۲۳۴	۱۰-۱۳ درصد
هلیکوپتر	۱۳۵-۹۴	۸۲۱	۱۱-۱۶ درصد
هواپیمای تاکتیکی بال ثابت	۹۹-۷۱	۱۱۷۲	۶-۸ درصد
کشتی‌ها (ناوگان دریای سیاه)	۱۳	۵۸	۲۲ درصد

در این راستا، دولت روسیه پیش‌نویس بودجه سال‌های ۲۰۲۵ م. الی ۲۰۲۷ م. را تصویب کرد. این پیش‌نویس پیش‌بینی می‌کند که هزینه‌های نظامی تقریباً ۲۵ درصد افزایش یابد (اگرچه دولت سال گذشته وعده داده بود که افزایش بیشتری نخواهد داشت). این افزایش تأییدی است که اقتصاد به سمت جنگ تغییر کرده است.



نمودار شماره ۲. افزایش هزینه‌های نظامی نسبت به هزینه‌های اجتماعی در روسیه (تریلیون روبل) (بلومبرگ، ۲۰۲۴؛ دبل، ۲۰۲۴) (رنگ قرمز: دفاع و امنیت ملی؛ رنگ خاکستری: سیاست اجتماعی (منافع، مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و...))

۴-۲-۱-۴. توسعه نفوذ بیشتر ناتو در محیط پیرامونی روسیه

برخی از تحلیلگران غربی، تهاجم روسیه به اوکراین را نقطه اوج خشم فزاینده کرملین نسبت به گسترش ناتو پس از جنگ سرد به حوزه نفوذ شوروی سابق می‌دانند. دستگاه حاکمه سیاسی و نظامی روسیه، گسترش ناتو در این دوره پرفرازونشیب را تحمیلی و تحقیرآمیز می‌دانند که نمی‌توانستند کاری جز تماشای آن انجام دهند (مسترز، ۲۰۲۳). با توجه به این موضوع، روسیه در دوران ولادیمیر پوتین هرگز با کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق به‌عنوان کشورهای کاملاً مستقل رفتار نکرده است. همین امر در مورد اوکراین، گرجستان یا مولداوی نیز صدق می‌کند. با اشاره به سیاست روسیه، عاملی که ممکن است به درگیری منجر شود، وضعیت روسیه در عرصه بین‌المللی است و اینکه

برخی از کشورها به‌طور فعال، به مشارکت در سازمان‌های غربی مانند اتحادیه اروپا یا ناتو علاقه‌مند هستند (دمدزیوک، ۲۰۱۹: ۹۸).

بااین‌حال، تهاجم روسیه به اوکراین به‌طور قابل‌توجهی نگرش فنلاند و سوئد را نسبت به عضویت در ناتو تغییر داده است. مقامات هر دو کشور هشدار فزاینده‌ای نسبت به نیت روسیه در شمال اروپا و جناح شرقی ائتلاف ابراز کرده‌اند؛ همچنین نظرسنجی‌های اخیر افکار عمومی در هر دو کشور نشان می‌دهد که اکثریت موافق پیوستن به ناتو هستند. کرملین تقریباً با نگرانی عمیق به این چشم‌انداز می‌نگرد. عضویت فنلاند و سوئد، درک روسیه از آسیب‌پذیری در جناح شمالی اروپا را افزایش می‌دهد؛ چراکه عضویت آن‌ها به‌طور قابل‌توجهی توانایی ائتلاف برای خنثی کردن قابلیت‌های ضد دسترسی و منع منطقه روسیه در کالینینگراد و اطراف آن، طرح نیرو به منطقه، تقویت اعضای ناتو در جناح شرقی و حفظ کنترل بر روی دریای بالتیک را بهبود می‌بخشد.

۴-۲-۲. پیامدهای مثبت جنگ برای روسیه

در کنار پیامدهای منفی جنگ برای روسیه، جنگ با اوکراین برای این کشور پیامدهای مثبتی نیز به ارمغان آورده است. در قسمت ذیل به پیامدهای مثبت اشاره خواهد شد.

۴-۲-۲-۱. تضعیف جایگاه دلار آمریکا در مناسبات روسیه با کشورهای دیگر

بعد از جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای جهان، شاهد تحریم‌های گسترده آمریکا و کشورهای اروپایی بودند؛ این امر باعث گردید تا آن‌ها به اعمال سیاست‌هایی جهت کاهش اثرات تحریم‌های کشورهای غربی و آمریکا مبادرت نمایند. در این زمینه، روندها و تحولات اخیر، به‌ویژه جنگ روسیه و اوکراین، ایالات متحده و متحدانش را بر آن داشت تا اقدامات بی‌سابقه‌ای در زمینه تحریم اقتصاد روسیه انجام دهند و از دلار به‌عنوان یک سلاح استراتژیک استفاده کند. در نتیجه، دولت‌های دیگر نیز خطرات بالقوه هژمونی دلار را مورد

ارزیابی قرار داده و برای تجارت جایگزین و سیستم پرداخت فراتر از سیستم دلاری، تلاش کردند (دونکسیاو^۱، ۲۰۲۲: ۳۲).

درحالی‌که اثربخشی واقعی این تحریم‌ها هنوز به‌طور گسترده مورد بحث است، این اقدامات، مذاکرات را در روسیه و سایر کشورهای جهان جنوب درباره جایگزین‌های بالقوه برای سیستم پولی بین‌المللی فعلی تشدید کرده است. بدین‌سان، کشورهای مختلف از جمله هند، چین، عربستان سعودی و ج.ا.ایران نیز به دنبال دلارزدایی از اقتصاد خود و ترویج استفاده از ارزهای منطقه‌ای هستند (هانسون^۲، ۲۰۲۳).

برخی نشانه‌های دلارزدایی در بازارهای نفت نمایان است. بر اساس داده‌های تحقیقات جی.پی مورگان، بین سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۳ م، افزایش یک‌درصدی دلار آمریکا، قیمت نفت خام برنت را حدود ۳ درصد کاهش داد؛ اما بین سال‌های ۲۰۱۴ الی ۲۰۲۲ م، این رقم تنها به ۰.۲ درصد کاهش یافت (جی.پی مورگان^۳، ۲۰۲۳). درواقع، در بحبوحه جنگ روسیه و اوکراین، تلاش‌های کرملین برای کاهش وابستگی به دلار آمریکا با روند گسترده‌تری از دلارزدایی که در چندین کشور مشاهده شده است، هم‌سو شد. به همین دلیل گزارش‌های زیادی مبنی بر اینکه برخی کشورها به دنبال ایجاد نسبت‌های جدید مبادله و قیمت‌گذاری برای معاملات تجاری خود هستند، منتشر شده است.

این کشورها به بررسی تسویه تجارت انرژی با ارزهای خود یا از طریق توافقات دوجانبه پرداخته‌اند و عملاً دلار را دور زده‌اند. علاوه بر این، کشورهای بریکس، امکان ایجاد یک ارز ذخیره جدید با پشتوانه سبدي از ارزهای مربوطه خود را بررسی کرده‌اند. این تلاش جمعی نشان‌دهنده تعهد آن‌ها به کاهش اتکا به دلار آمریکا در سیستم مالی جهانی است (هانسون، ۲۰۲۳). به‌عنوان مثال، برخی از پالایشگاه‌های هندی پرداخت نفت روسیه را که از طریق معامله‌گران مستقر در دبی خریداری می‌کنند، به درهم آغاز کرده‌اند؛ برخی دیگر نیز در نظر دارند این کار را به یوان انجام دهند. طبق گزارش‌ها، عربستان سعودی در حال بررسی پذیرش پرداخت به ارزهای دیگر است. تولیدکنندگان عمده

کالا‌های روسیه نیز شروع به انتشار اوراق قرضه به یوان کرده‌اند. در سپتامبر ۲۰۲۲م، شرکت نفت دولتی روسیه عرضه عمومی ۱۰ میلیارد یوان اوراق قرضه را انجام داد و در سال ۲۰۲۳م، ۱۵ میلیارد یوان عرضه کرد (جی.پی مورگان، ۲۰۲۳).

این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که کاهش نقش دلار در نظام پولی بین‌الملل، به مثابه عنصر تأثیرگذاری در افول توان اقتصادی آمریکا محسوب می‌شود. نگرانی فزاینده مؤسسات و رسانه‌های غربی در مورد چنین تحولی در نتیجه جنگ اوکراین بی‌سابقه است. به عنوان مثال، «گیتا گوپیناث»^۱، معاون اول مدیرعامل صندوق بین‌المللی پول^۲، هشدار داد که تحریم‌ها علیه روسیه می‌تواند به تکه‌تکه شدن ذخایر پولی و کاهش تسلط جهانی دلار منجر شود (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۰۲۳). به نظر می‌رسد، ایالات متحده به دلیل تحریم‌هایی که به همراه اتحادیه اروپا علیه روسیه پس از جنگ اوکراین اعمال کرده، برتری و هژمونی دلار را برهم زده و در راستای تضعیف دلار حرکت کرده است. این اشتباه محاسباتی غرب، محصول غرور محض بوده است.

۲-۲-۴. افول نظم لیبرال و هژمونی‌گری آمریکا

در طول دهه‌های گذشته که جهان تحت سلطه نظم لیبرال غربی بود، ایالات متحده و شرکای آن یک نظم بین‌المللی چندوجهی و گسترده را ایجاد کردند که حول محورهای زیر سازماندهی شد:

❖ باز بودن اقتصادی؛

❖ نهادهای چندجانبه؛

❖ همکاری امنیتی؛

❖ همبستگی دموکراتیک (ایکنبری^۳، ۲۰۱۸: ۷).

با این وجود، در دنیای چندقطبی امروزی، نظم لیبرال جهانی رو به زوال است:

❖ قدرت پراکنده شده است؛

1. Gita Gopinath

2. International Monetary Fund(IMF)

3. Ikenberry

❖ دولت‌های تجدیدنظرطلب از لیبرالیسم استقبال نمی‌کنند؛

❖ دولت‌های غربی با ضربه سیاسی ناشی از پیامدهای توزیعی حرکت آزادتر کالاها، خدمات و مردم مواجه می‌شوند که محصول فرالیبرالیسم بود (استینبرگ^۱، ۲۰۲۲: ۳۷).

در این زمینه و تحت شرایط جنگ روسیه علیه اوکراین، به‌ویژه از ۲ مارس ۲۰۲۲م، پوتین منطقه دونباس اوکراین را مستقل اعلام کرد. روسیه حملات متعددی را در پایتخت اوکراین، کی‌یف انجام داد و یکی از شهرهای بزرگ این کشور یعنی خرسون را ضمیمه کرد (ساسان^۲، ۲۰۲۲). تا آنجا که، پیشرفت و تسلط روسیه در زمینه اقتصادی، نظامی و به‌ویژه ژئوپلیتیک در اوکراین و اهمیت ژئواستراتژیک آن برای سایر کشورها، باعث بروز چالش‌های سیاسی و اقتصادی میان این کشور و ایالات متحده شده است؛ این امر بیانگر افول قدرت و هژمونی آمریکا می‌باشد.

با توجه به پیامدهای احتمالی رویارویی غرب و روسیه در بحران اوکراین و تحریم‌های اقتصادی متعاقب آن علیه روسیه، روند تحول در معماری اقتصاد جهانی آغاز شده است. از این رو می‌توان استدلال کرد که پایه‌های سیاسی نظم لیبرال متحول شده است.

اول؛ با ورود دولت‌های جدید به این سیستم، معامله‌ها و نهادهای قدیمی که منابع ثبات و حکومت را فراهم می‌کردند، زیر پا گذاشته شدند. مجموعه گسترده‌تری از دولت‌ها- با مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها و برنامه‌های متنوع‌تر- اکنون بخشی از نظم هستند. این امر عاملی شد که می‌توان آن را «بحران قدرت» نامید (ایکنبری، ۲۰۱۸: ۱۰). بسیاری از کشورها در زمینه انرژی، تجارت، کشاورزی یا تسلیحات با روسیه همکاری کرده‌اند؛ «آنها کمتر حاضرند رفاه خود را به خاطر برخی اهداف مبهم حمایت از لیبرالیسم و دموکراسی جهانی که در برخی موارد با اقدامات خود ایالات متحده در عراق، افغانستان، سوریه و... نیز نقض شده است، به خطر بیندازند» (نینگ^۳، ۲۰۲۲).

دوم، جهانی‌شدن نظم لیبرال به ازدست‌رفتن ظرفیت عملکرد به‌عنوان یک جامعه امنیتی منجر شد؛ این را می‌توان «بحران هدف اجتماعی» نامید. نظم لیبرال در پیکربندی جنگ سرد خود نوعی جامعه امنیتی با خدمات کامل بود که ظرفیت لیبرال‌دموکراسی‌های غربی را برای پیگیری سیاست‌های پیشرفت و ثبات اقتصادی و اجتماعی تقویت می‌کرد (ایکنبری، ۲۰۱۸: ۱۰). در این زمینه، علی‌رغم فشار واشنگتن برای جانبداری در مناقشه روسیه و اوکراین، بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، بی‌طرفی را انتخاب کرده‌اند و از راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز دفاع می‌کنند (جیافی، ۲۰۲۲). درواقع، با عمیق‌تر شدن بحث درباره تأثیر گسترده این بحران، به‌طور فزاینده‌ای این باور وجود دارد که درگیری‌های روسیه و اوکراین به‌عنوان یک شتاب‌دهنده، برای دفن هژمونی آمریکا به‌ویژه در ابعاد سیاسی، ژئوپلیتیک و اقتصادی عمل می‌کند (نینگ، ۲۰۲۲).

در راستای نظم جدید جهانی که به‌نوعی از نظم لیبرال آمریکایی فاصله می‌گیرد، کاهش تعامل بین‌المللی واشنگتن، فضای مانور دولت‌های قوی‌تر در جنوب جهانی را که به‌طور فزاینده‌ای به بازیگران قوی‌تری در سیاست بین‌الملل تبدیل شدند، گسترش داد. آن‌ها ائتلاف‌های جدیدی ایجاد کردند، نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دادند و نفوذ نظامی خود را تقویت کردند. گاهی اوقات این به مبارزات منطقه‌ای برای هژمونی منجر می‌شد و کشورهای ضعیف‌تر را مجبور می‌کرد تا به دنبال امنیت از طریق اتحاد با قدرت‌های بزرگ‌تر یا برقراری تعادل بین آن‌ها بودند (لهنه^۱، ۲۰۲۳).

ازاین‌رو، شاهد روند رو به افول هژمونی سیاسی در نظم لیبرال غربی هستیم. قدرت‌های بزرگ به‌ویژه روسیه و چین نیز هنجارها و ارزش‌های موجود را به چالش می‌کشند و هم‌زمان حوزه‌های جدیدی از نظم بین‌المللی را از طریق نهادهای منطقه‌ای ایجاد می‌کنند (کولی و نکسون^۲، ۲۰۲۰) که امروزه در قالب بریکس و سازمان همکاری شانگهای متجلی شده است.

1. Lehne

2. Cooley and Nexon

۳-۲-۴. چندجانبه‌گرایی و گسترش سیاست نگاه به شرق

روسیه از سال ۲۰۱۴م. به بعد راهبرد توازن قوا را به‌عنوان الگوی رفتاری خود برای مواجهه با نظام بین‌المللی و غرب اتخاذ کرد. مهم‌ترین ویژگی‌های توازن قوای روسیه عبارت‌اند از:

- ۱) مقابله‌ای (مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا)؛
 - ۲) واقع‌گرایانه (پذیرش آمریکا و چین به‌عنوان بازیگران اصلی)؛
 - ۳) تکیه بر موازنه سخت و نرم؛
 - ۴) منطقه‌گرایانه (نیاکویی و صفری، ۱۳۹۷: ۱۰۱).
- هدف گسترده‌تر تبدیل نظم جهانی به یک سیستم چندقطبی، به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان زمینه‌ای برای مداخله روسیه در اوکراین مطرح می‌شود. تأکید بر این هدف ممکن است برای جمعیت روسیه جذاب باشد، اما حاوی روایتی است که هدف جامعه بین‌المللی، پایان دادن به سلطه غرب در سیاست بین‌الملل است (پرووست، ۲۰۲۳). تا آنجا که از سال ۲۰۰۰م. و با به قدرت رسیدن رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین، سیاست روسیه در منطقه از رواج گفتمان انتقادی نظم جهانی تک‌قطبی بهره برده است (فردریچ^۱، ۲۰۲۳: ۳).
- در این زمینه، جنگ در اوکراین و چشم‌انداز ادامه و حتی تشدید تنش در روابط روسیه با غرب به‌شدت بر اولویت‌های سیاست خارجی «نگاه به شرق» تأثیر گذاشته است. سیاست خارجی مسکو پس از جنگ در اوکراین، چاره‌ای جز رفتن به سمت شرق ندارد (نیاکویی و رهبر^۲، ۲۰۲۱: ۴۹۳).

در این راستا، مقامات روسیه به منظور جلب حمایت بیشتر ج.ا.ایران در جنگ با اوکراین، حمایت شفاهی بیشتری از موضع تهران در قبال واشنگتن ابراز کرده‌اند. به‌عنوان مثال، «لوان جاگاریان»، سفیر روسیه در تهران مدعی شد که هدف از سفر بایدن به خاورمیانه تشکیل یک «جبهه ضد ایرانی» بوده است و آن را «کاملاً غیرقابل قبول» خواند. مهم‌تر از آن در ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۲م.، دکتین جدید دریایی روسیه تصویب شد که منافع روسیه در خلیج فارس را فهرست می‌کند و بر همکاری با «کشورهای متحد و شریک

1. Friedrich

2. Niakooee and Rahdar

روسیه» در حوزه دریایی تأکید می‌کند. روابط خاورمیانه‌ای دو کشور، در درجه اول به ایده‌های مشابهی برای چندجانبه‌گرایی امنیتی در منطقه تبدیل شده است. این ویژگی، درواقع، بخشی جدایی‌ناپذیر هویت جمهوری اسلامی و محرک اصلی سیاست خارجی و منطقه‌ای ایران برای بیش از چهار دهه بوده است (عزیزی^۱، ۲۰۲۳: ۶-۵).

با توجه به مفروضات مفهوم موازنه قوا، فدراسیون روسیه به سمت جمهوری خلق چین گرایش پیدا کرده است (کازوبا، ۲۰۲۱: ۲۵۵). رویارویی پوتین، رئیس‌جمهور روسیه با غرب، ویژگی تعیین‌کننده سیاست خارجی اوست. این رویارویی تا حد زیادی با هدف اصلی دیگر او امکان‌پذیر شده است: مشارکت استراتژیک با چین (رامر و سوکولسکی، ۲۰۲۲).

چین در این تقابل، این موضوع را در نظر می‌گیرد که شکست آشکار روسیه در اوکراین، یک فاجعه استراتژیک خواهد بود که به دلیل تضعیف روسیه، ارزش خود را به‌عنوان یک شریک از دست خواهد داد. شکست روسیه همچنین می‌تواند باعث بی‌ثباتی شدید و احتمالاً به سقوط رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین از قدرت منجر شود. با توجه به تأکید پوتین و رئیس‌جمهور چین «شی جین پینگ» بر تداوم همکاری‌ها، چنین نتیجه‌ای شکست بزرگی از چشم‌انداز چین خواهد بود. بنابراین، چین منافع خود را در توانایی روسیه برای دستیابی به نتیجه مطلوب در جنگ می‌بیند (کارلسون^۲، ۲۰۲۱: ۱).

به‌صورت خلاصه می‌توان گفت، هدف روسیه، چین و ج.ا.ایران به چالش کشیدن استانداردهای «غربی»، هم به‌صورت گفتمانی و هم از نظر رویه‌ای از طریق سازمان‌های مختلف بین‌المللی است. پیشنهادها برای برجسته کردن نقض حقوق بشر تحت رهبری ایالات متحده بود که با محکومیت شدید رفتار ایالات متحده با اقلیت‌ها و اعتراضات روسیه، چین و ج.ا.ایران به زندگی سیاه‌پوستان همراه بوده است (گراووسکی^۳، ۲۰۲۲: ۱۶۸).

1. Azizi

2. Carlson

3. Grajewski

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مقاله تلاش گردید تا اهداف و پیامدهایی که زمینه جنگ روسیه علیه اوکراین را فراهم کرد، از طریق موازنه قوا مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس نتایج این تحقیق، روسیه درصدد تقویت نفوذ نظامی و امنیتی خود در جنوب جهانی با توجه به آنچه که یک رویارویی طولانی‌مدت و سیستماتیک با کشورهای غربی می‌داند، است. ازاین‌رو، درگیری در اوکراین به‌عنوان بخشی از یک مبارزه ژئوپلیتیکی گسترده‌تر برای قدرت تفسیر می‌شود. اوکراین نیز تابع منافع پنهان غربی است که به دنبال تضعیف روسیه و زیر سؤال بردن قدرت بزرگ بین‌المللی این کشور است.

در این راستا، روسیه مشتاق حفظ نفوذ سیاسی خود در اوکراین و در سراسر اتحاد جماهیر شوروی سابق است. ناتو و اتحادیه اروپا نیز با گسترش سریع و ایجاد کشورهای جدید، عمدتاً کشورهای اروپای شرقی ازجمله جمهوری‌های شوروی سابق، فعال‌تر شده است. دولت‌هایی که تا سال ۲۰۲۲م. به این سازمان‌ها و نهادها پیوستند، اتحاد نظامی غرب را به مرزهای روسیه نزدیک کردند. روسیه و غرب اکنون در جبهه اوکراین به علل مرتبط به‌منظور توازن قدرت با یکدیگر می‌جنگند. روسیه به‌شدت خواهان این است که به قدرتی هم‌سطح قدرت سیاسی و نظامی آمریکا تبدیل شود و آمریکا و متحدانش در راستای تثبیت اوضاع کنونی در توازن قدرت در سطح بین‌المللی تلاش می‌کنند؛ اما امروزه رصد دقیق توازن قدرت در سطح بین‌المللی تأکید می‌کند، مرحله تک‌قطبی به گذشته پیوسته است و تسلیم نشدن آمریکا در برابر این واقعیت چیزی را تغییر نمی‌دهد.

روسیه در ابتدای جنگ با توجه به اهداف موردنظرش، تصور می‌کرد که به‌سرعت بتواند بر اوکراین غلبه پیدا کند؛ اما فرسایشی شدن جنگ در نتیجه حمایت‌های تسلیحاتی و لجستیکی غرب مانع از دستیابی فوری روسیه به اهداف خود شده است.

پیامدهای مثبت جنگ برای روسیه عبارت‌اند از: تضعیف جایگاه دلار آمریکا در مناسبات خود با کشورهای دیگر، افول نظم لیبرال و هژمونی‌گری آمریکا و چندجانبه‌گرایی و گسترش سیاست نگاه به شرق.

علاوه بر پیامدهای مثبت، این جنگ برای روسیه پیامدهای منفی نیز داشته است. در این زمینه، غرب در پاسخ به حمله روسیه به اوکراین، تحریم‌های مهمی اعمال کرد که به طور جدی بر الیگارشی حامی پوتین و مردم روسیه تأثیر منفی گذاشته است؛ کاهش بودجه‌های سیاست اجتماعی و افزایش هزینه‌های نظامی و دفاعی روسیه مؤید این موضوع است. به طور گسترده، حمایت نظامی از اوکراین، سطحی از مقاومت را پدید آورد که به آن اجازه داد تا حمله روسیه را متوقف کند. در واقع، کمک، آموزش، سلاح، مهمات و اطلاعات غرب به اوکراین، مزیت میدان نبرد را نشان می‌دهد. در این راستا، کشورهای غربی با حمایت از تحریم‌ها علیه روسیه، ارائه کمک به اوکراین و تقویت حمایت از کشورهای همسایه ناتو، تلاش کردند تا در مقابل روسیه قرار گیرند که از پیامدهای فوری و بلندمدت جنگ بوده است. علاوه بر این، وضعیت میدانی جنگ نیز دستخوش تغییرات نسبی شده که تهاجمی شدن اوکراین در میدان نبرد و اشغال برخی مناطق روسیه را به دنبال داشت؛ این موارد به قفل شدن جنگ شدت بیشتری بخشیده است.

در چنین شرایطی، جنگ بر ارتش و اقتصاد روسیه تأثیر گذاشته و به تغییرات اساسی در هر دو حوزه منجر شده است؛ تا آنجا که دکترین نظامی روسیه از حالت تهاجمی به تدافعی تغییر پیدا کرد. موضوعی که نشان می‌دهد، روسیه هنوز قادر نیست تا به اهداف خود در جنگ دست یابد. اگرچه روندهای کنونی به افزایش بیشتر رقابت ژئوپلیتیکی، افزایش حمایت‌گرایی اقتصادی و چندپارگی و سست شدن ساختارهای نظم بین‌المللی اشاره دارد. با این حال، وابستگی متقابل اقتصادی و روابط فراملی احتمالاً به اندازه کافی قوی باقی خواهند ماند تا از سقوط کامل در هرج و مرج و رقابت نامحدود جلوگیری کنند.

با این وجود، به منظور پایان این منازعه، روسیه می‌تواند با ارزیابی مجدد ارزش‌ها با درک پیوند «قوم‌زایی، ژئوپلیتیکی و تاریخی» زمینه صلح بین خود و اوکراین را طرح‌ریزی نماید. این موضوع متضمن این امر است که روسیه و اوکراین میدان نبرد را گسترش ندهند تا بتوان به واسطه ازسرگیری گفتگوهای مستقیم و تلاش برای کاهش تنش تا دستیابی به آتش‌بس اقدام کرد.

منابع

الف - فارسی

- بیلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۸). *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه‌های تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)*، تهران: مؤسسه ابرار معاصر، جلد اول.
- جعفری‌فر، احسان؛ خانی، مهدی (۱۴۰۰). «رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه قفقاز جنوبی»، *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، ۵(۳)، ۴۳-۶۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۲). «تحول نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۵(۸)، ۷۳-۱۱۷.
- روحی دهبه، مجید؛ کریمی‌فرد، حسین؛ میرمهدی‌پور، سید تقی (۱۳۹۹). «روابط امنیتی دو قدرت بزرگ آمریکا و روسیه در مجموعه امنیتی پسا شوروی؛ الگوها و روندها»، *فصلنامه سیاست جهانی*، ۹(۲)، ۲۳۱-۲۶۴.
- نیاکویی، سید امیر؛ صفری، عسگر (۱۳۹۷). «الگوی رفتاری روسیه در نظام بین‌الملل: تلاش برای دستیابی به موازنه قوای مطلوب (۲۰۱۴-۲۰۱۸)»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۴(۱۰۳)، ۱۰۱-۱۳۰.

ب - انگلیسی

- Avetisova, Anastasia and Persson, Anders (2015). *The Ukraine crisis: A geopolitical power struggle between Russia and the US*, Bachelor Thesis in Peace and Development Studies.
- Azizi, Hamidreza (2023). Close but Complicated. Iran-Russia Relations in the Middle East Amid the War in Ukraine, *FRIEDRICH EBERT STIFTUNG*.
- Belkin, Paul and et.al (2023). Russia's War on Ukraine: U.S. Policy and the Role of Congress, *the Congressional Research Service*.
- Bloomberg News (2024). Russia Keeps the Money Rolling in for Putin's War in Ukraine, available: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2024-09-23/russia-budget-plans-show-no-let-up-in-putin-s-war-on-ukraine>
- Carlson, Brian G. (2022). The China Factor in Russia's War in Ukraine, *Policy Perspectives*, Vol. 10/13.
- Cooley, Alexander and Nexon, Daniel (2020). *Exit from Hegemony: The Unraveling of the American Global Order*, Oxford University Press.
- Czaputowicz, J. (2013). Mapa współczesnego realizmu: realizm klasyczny, neorealizm, realizm neoklasyczny, available: <https://ptsm.edu.pl/wp->

content/uploads/publikacje/teoria-realizmu-w-nauce-o-stosunkach-miedzynarodowych/J.Czaputowicz.pdf

- Demedziuk, Sylwia (2019). The new dimension of war – the Ukraine conflict, *Security and Defence Quarterly*, 14(1).
- Dirzauskaite, Goda and Nicolae Cristinel Ilinca (2017). Understanding “Hegemony” in International Relations Theories, Aalborg University, Development and International Relations.
- Dongxiao, Chen and et. al. (2022). RUSSIA-UKRAINE CRISIS: WHERE DO WE GO FROM HERE?, Shanghai Institutes for International Studies.
- Friedrich Ebert Stiftung (2023). Multipolarity and the Middle East: Exploring Regional Attitudes towards the Russia-Ukraine War, available: <https://library.fes.de/pdf-files/bueros/zypern/20267-20230530.pdf>
- Gioe, David and Styles, William (2022). Putin's war has turned back the clock on Russian power for decades, according to new analysis, available: <https://www.kcl.ac.uk/news/putins-war-has-turned-back-the-clock-on-russian-power-for-decades-according-to-new-analysis>.
- Glantz, Mary (2024). Ukraine War Takes a Toll on Russia, available, at: <https://www.usip.org/publications/2024/03/ukraine-war-takes-toll-russia>
- Grajewski, Nicole (2022). An Illusory Entente: The Myth of a Russia-ChinaIran “Axis”, *Asian Affairs*, Vol. LIII, no. I.
- Guba, E. G. & Lincoln, Y. S. (1982). Epistemological and methodological bases of naturalistic inquiry, *ECTJ*, 30(4).
- Hanson, Reuben (2023). Is the dominance of the dollar in trouble amid the Russo-Ukraine war? Available: <https://www.openaccessgovernment.org/is-the-dominance-of-the-dollar-in-trouble-amid-the-russo-ukraine-war/160579/>
- Huseynov, Vasif (2017). Revisiting the Ukraine crisis: Realist reflections on causes and consequences, *Centre for European Studies, Iasi*, Vol. 9, Iss. 4.
- Ikenberry, John (2018). The end of liberal international order?, *International Affairs*, Volume 94, Issue 1.
- Ionita, Craisor-Constantin (2023). Conventional and hybrid actions in the Russia's invasion of Ukraine, *Security and Defence Quarterly*, 44(4).
- Islamic Republic News Agency (2023). Dollar hegemony stuck in Ukraine war swamp, available: <https://en.irna.ir/news/84733714/Dollar-hegemony-stuck-in-Ukraine-war-swamp>
- J.P. Morgan (2023). De-dollarization: Is the US dollar losing its dominance?, available: <https://www.jpmorgan.com/insights/global-research/currencies/de-dollarization>
- Jenkins, Brian Michael (2023). Consequences of the War in Ukraine: A Bleak Outlook for Russia, available: <https://www.rand.org/pubs/commentary/2023/02/consequences-of-the-war-in-ukraine-a-bleak-outlook.html>

- Jiafei, Lu (2022). Hidden truths of an avoidable conflict: how U.S. hegemony endangers world peace, available: <https://english.news.cn/20220603/9a82f60c615545ebacdbd5b15dbab896/c.html>
- Johannesso, Jokull (2017). Russia-Ukraine balance of military power, *Journal of International Studies*, 10(1).
- Julian, Korab-Karpowicz, W. (2018). Political Realism in International Relations, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
- Kaszuba, Malina (2021). The Russian vision of strategic balance in the 21st century in the spirit of political realism, *PrzeglądWschodnioeuropejski*, 12(2).
- Korhonen, Iikka (2023). Sanctions against Russia: what have been the effects so far?, available: <https://www.economicsobservatory.com/sanctions-against-russia-what-have-been-the-effects-so-far>
- Lehne, Stefan (2023). After Russia's War Against Ukraine: What Kind of World Order? Available: <https://carnegieendowment.org/research/2023/02/after-russias-war-against-ukraine-what-kind-of-world-order?lang=en¢er=Europe>
- Massicot, Dara and Connolly, Richard (2024). Russian Military Reconstitution: 2030 Pathways and Prospects, Carnegie Endowment for International Peace.
- Masters, Jonathan (2023). Ukraine: Conflict at the Crossroads of Europe and Russia, available: <https://www.cfr.org/background/ukraine-conflict-crossroads-europe-and-russia>
- Minzarari, Dumitru (2022). Failing to Deter Russia's War against Ukraine: The Role of Misperceptions, *Stiftung Wissenschaft und Politik*, no 33.
- Niakooee, Seyed Amir and Rahdar, Hossein (2021). The Middle East and Iran in Russia's Foreign Policy after the Ukraine War, *Review of Foreign Affairs*, Vol. 12, No. 2.
- Ning, Yu (2022). Ukraine crisis a catalyst for the burial of American hegemony, available: <https://www.globaltimes.cn/page/202204/1257421.shtml>
- Provost, marnix (2023). What is Russia's Theory of Victory in Ukraine?, The Modern War Institute at West Point.
- Rumer, Eugene (2017). Russia and the west in a new standoff, Carnegie Endowment for International Peace.
- Rumer, Eugene and Sokolsky, Richard (2022). Putin's War Against Ukraine and the Balance of Power in Europe, Carnegie Endowment for International Peace.
- Sasan, Jasneh (2022). Opinion: Russia-Ukraine crisis means the end for America, available: <https://scotscoop.com/opinion-russia-ukraine-crisis-means-the-end-for-america/>

- Slobodchikoff, Michael O. (2017). Challenging US Hegemony: The Ukrainian Crisis and Russian Regional Order, *the soviet and post-soviet review*, 44.
- Spegele, Roger D. (2009). Political realism in international theory, *Cambridge Studies in International Relations*: 47.
- Steinberg, Richard H. (2022). The Rise and Decline of a Liberal International Order, available: <https://academic.oup.com/book/44516/chapterabstract/376541714?redirectedFrom=fulltext>
- Waltz, K. N. (1979). *Theory of International Politics*. Berkeley.
- Welt, Cory (2021). Ukraine: Background, Conflict with Russia, and U.S. Policy, Congressional Research Service.
- Zabrodskyi, Mykhaylo and et. al (2022). Preliminary Lessons in Conventional Warfighting from Russia's Invasion of Ukraine: February–July 2022, Royal United Services Institute.